

## ضرورت توجه به مخاطرات محیطی در استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمد رئوف حیدری فرا<sup>۱\*</sup>، میلاد فتح الهی<sup>۲</sup>، داود محسنی پور<sup>۳</sup>، بهمن محمدی<sup>۴</sup>

۱-دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران mohammad.heidari508@gmail.com

۲-کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور

۳-کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور

۴- دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، گروه سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۹

### چکیده

امنیت ملی در توانایی یک کشور در دفع تهدیدهای خارجی ضد حیات سیاسی یا منافع ملی خود نمود می یابد؛ بنابراین، امنیت ملی هدف و استراتژی روش حفظ آن است. منظور از استراتژی امنیت ملی، سیاستها و الگوهایی است که از طریق آن، کشور درصدد فراهم آوردن شرایط لازم برای تأمین امنیت ملی خود می باشد. هدف از تحقیق حاضر بررسی ضرورت توجه به مخاطرات محیطی در استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است. این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی و با مطالعات کتابخانه ای انجام شده است. فرضیه پژوهش این است که مخاطرات محیطی و مخصوصاً مخاطرات انسانی و آسیب هایی اجتماعی در استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی مورد غفلت واقع شده است. نتایج نشان می دهد که مخاطراتی همچون مخاطرات محیطی، مخاطرات داخلی و خارجی، مخاطرات انسانی، مخاطرات منابع و مخاطرات سایبری و شبکه اجتماعی بیشترین مخاطراتی هستند که می توانند در استراتژی امنیت ملی نقش داشته باشند. قطعاً توجه و برنامه ریزی و اجرای سیاست های نظارت، دربرگیری، حفاظت، کاهش و مقابله با طیف وسیعی از مخاطرات محیطی به افزایش امنیت ملی خواهد انجامید و زمینه افزایش توسعه و پیشرفت کشور را به دنبال خواهد داشت که این وظیفه و این امر مهم باید در تدوین استراتژی امنیت ملی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مخاطرات محیطی، استراتژی، امنیت ملی، تهدید، جمهوری اسلامی ایران.

## مقدمه

حکومت‌ها در بستر تاریخ مبتنی بر مبانی هستی‌شناسی خود در عمل، به قواعد خاصی پایبند شده‌اند که این قواعد در حوزه ارتباط بین کشورها زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط و تعارضات بین‌المللی بوده است. یکی از مهمترین موضوعات مدنظر دولت‌ها تأمین امنیت ملی است. اساساً نظرها سستی نسبت به امنیت ملی، آن را به عنوان نبود تهدیدات سخت افزارانه تعریف می‌کند. از این رو آسوده بودن از جنگ و تجاوز خارجی که به معنای حفظ تمامیت ارضی کشور است، در رأس اهداف امنیت ملی قرار دارد. در کنار آن، آسودگی از هر تهدید خشونت‌ورزانه مانند نقض حاکمیت ملی، تروریسم، خرابکاری، کودتا و اغتشاشات خشونت‌بار، نشان‌دهنده مندی از امنیت در بعد سخت افزاری است.

تقریباً تا دهه‌های پایانی سده بیستم، نه سیاستمداران از ورود مخاطرات غیرنظامی به حوزه امنیت ملی استقبال می‌کردند و نه تحلیل‌گران از نظر فکری تلاش چندانی در این جهت داشتند. از آن پس به تدریج این دیدگاه گسترش یافت که تعریف امنیت ملی صرفاً براساس ملاحظات نظامی، گمراه‌کننده و هم‌خطرناک است. گذار تدریجی از پارادایم والتر لیپمنی امنیت ملی به پارادایم مکتب کپنهاگی امنیت، راه را برای ورود عناصر متکثر و متغیر غیرنظامی، از اقتصاد و سیاست گرفته تا هویت، محیط زیست و طبیعت به درون مطالعات امنیت ملی هموار کرد. این گذار به معنای تغییر موضوع امنیت از امنیت حکومت و در بهترین حالت امنیت سرزمین و ملت به مثابه مفاهیم انتزاعی، به امنیت کل هویت اجتماعی-سیاسی درون یک سرزمین و گسترش عناصر تهدیدکننده امنیت از تهدیدات نظامی خارجی به کلیه عناصری بود که می‌تواند امنیت گروه‌ها، مردم و حکومت یک سرزمین را به خطر اندازد (مهربان و همکاران، ۱۳۹۸).

مخاطرات محیطی در همه کشورها دارای پیامدها و دلالت‌هایی برای امنیت ملی است (زند و همکاران، ۱۳۹۹).  
- بلایای طبیعی از طریق سه ساز و کار اصلی زیر ممکن است امنیت ملی یک کشور را تهدید کنند:

- افزایش خطر بروز تهدیدهای امنیتی جانبی مثل حملات تروریستی، تهاجم خارجی یا آشوب اجتماعی، با استفاده از شرایط بحران و تمرکز نیروها و امکانات در بخش بحران زده.
- ایجاد نارضایتی عمیق اجتماعی، تشدید بحران اعتماد و تعمیق بحران مشروعیت که همه در مجموع ناشی از بحران کارآمدی و به ویژه فساد در مدیریت بحران است.
- ایجاد یا تشدید برخی روندهای بلندمدت تر مثل فقر، بیکاری، مهاجرت، سرخوردگی اجتماعی و مانند آن (کنی و همکاران، ۲۰۱۱).

شدت پیامدهای بحران به عوامل زمینه‌ای مختلفی وابسته است، از جمله ابعاد فاجعه و میزان خسارات آن، کارآمدی نظام سیاسی در مدیریت بحران، سطح اعتماد و مشروعیت سیاسی در زمان بحران و همچنین نحوه بازنمایی آن توسط رسانه‌ها، اپوزیسیون و افکار عمومی (انیشچوک و همکاران، ۲۰۲۰).

تهدید مخاطرات طبیعی برای امنیت ملی، علاوه بر شدت و گستره فاجعه و عملکرد نهادهای مسئول، به میزان اعتماد و مشروعیت سیاسی دولت بستگی دارد. دولت‌هایی که پیشاپیش با بحران اعتماد و مشروعیت مواجه‌اند، در برابر بلایای طبیعی آسیب‌پذیرترند. این تهدیدات امنیتی زمانی تشدید می‌شوند که بحران‌های ساختاری کشور با پیامدهای ناشی از بلایای طبیعی هم‌زمان شده و شکاف‌های اجتماعی-سیاسی با نارضایتی‌های ناشی از بحران همپوشانی یابند. از این رو، ارتقای کارآمدی و اعتماد عمومی به نظام سیاسی و نیز مدیریت دقیق‌تر بحران در مناطق مرزی، محروم و قومی، از ضرورت‌های راهبردی به شمار می‌رود (گراوند و همکاران، ۱۳۹۴).

در رویکرد سنتی، امنیت ملی عمدتاً به معنای فقدان تهدیدات سخت‌افزارانه مانند جنگ، تجاوز، تروریسم و اغتشاشات خشونت‌بار تلقی می‌شود. اما در دو دهه اخیر، این دیدگاه دگرگون شده و مفهوم امنیت انسانی به عنوان یک حق شهروندی مورد توجه قرار گرفته است. تفاوت ساختار نظام سیاسی ایران در دوره‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی نیز موجب شکل‌گیری دو استراتژی امنیتی کاملاً متمایز شده است؛ اگرچه حفظ تمامیت ارضی و مقابله با تهدیدات خارجی در هر دو دوره مشترک بوده، اما ابعاد و شیوه‌های مواجهه به‌طور اساسی متفاوت است (قائم و همکاران، ۱۳۹۵).

در این تحقیق ضرورت توجه به مخاطرات محیطی بر استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و در این راستا هم مخاطرات طبیعی و هم انسانی در ابعاد مختلف مورد بحث واقع می‌گردد و در نهایت نیز بعد از شناسایی عوامل مختلف تأثیرگذار بر امنیت ملی ضرورت توجه به آنها و همچنین راه کاری های کلی مقابله مورد تجزیه و تحلیل واقع می‌شود.

### مبانی نظری

تعریف فرهنگ‌های لغات از «امنیت»، عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. «امنیت» همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی، و داشتن اعتماد و اطمینان موجّه و مستند. امنیت خواه فردی، ملی یا بین المللی، در زمره مسائلی است که انسان با آن مواجه است. امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده است که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد و یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج داشته باشند (ریبیعی، ۱۳۸۳). در اغلب تعاریف امنیت، سه عنصر کلیدی شامل ارزش‌ها، تهدیدات و مخاطرات برجسته است. اشتراک در ارزش‌ها و تهدیدات عمومی می‌تواند زمینه‌ساز گرایش کشورها به سوی امنیت جمعی شود.

واژه «امنیت» ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا شدیداً متداول گردید. سپس تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین الملل پدید آمد، موجب شدند این مفهوم کارایی بیشتری پیدا کند. بوزان<sup>۱</sup> که رهیافت مفهومی وسیعی از مسئله امنیت ارائه می دهد، اصطلاح «امنیت» را یک مفهوم توسعه نیافته تلقی می کند. کتاب باری بوزان منبع معروفی برای اغلب مباحث مربوط به بحث «امنیت» در روابط بین الملل است (بوزان، ۱۳۷۸). وی در کتاب خود، پنج دلیل برای عقب ماندگی مفهوم «امنیت» ارائه می دهد که چرا مفهوم امنیت مورد غفلت واقع شده است. به نظر وی، تأکید صرف بر مقوله «امنیت ملی»، کافی نیست (عبدالله خانی، ۱۳۸۳).

امنیت با پسوند ملی دارای دو بعد متفاوت و در عین حال مرتبط به هم می باشد. بعد داخلی امنیت ملی در خصوص ایجاد نظم و آرامش و ایمنی داخلی، تأمین منافع عمومی به خصوص توانایی دولت یا حکومت در جهت برآوردن توقعات روزافزون جامعه و حرکت در مسیر توسعه می باشد و بعد خارجی آن در خصوص نحوه تعیین جایگاه یک کشور در صحنه بین الملل است. در این راستا مجموعه توانایی های یک کشور اعم از سیاسی یا نظامی و اقتصادی در حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، استقلال سیاسی، اعمال حاکمیت بر منابع و حفظ محیط در قبال تهدیدات است (ربیعی، ۱۳۸۳).

برای پرداختن به مقوله امنیت ملی، باید به مسئله دولت-ملت نیز توجه کرد. هرچند مسئله امنیت جوامع بشری بحثی به قدمت تاریخ زندگی بشر است اما این مفهوم، با مضمون کنونی آن، پس از قرارداد وستفالی<sup>۲</sup> و تشکیل دولت-ملت ها، شکل گرفت. از طرفی، پایان جنگ سرد و تغییر فضای امنیتی جهان در دهه ۱۹۸۰ م، تغییراتی بنیادی در مطالعات امنیت ملی رقم زد. البته باید توجه کرد که امنیت تنها مفهومی نیست که، از طریق آن، می توان به درک مسئله ی امنیت ملی نائل آمد، از لحاظ سنتی اکثر مطالبی که به تحلیل و تعریف این مسئله پرداخته اند همواره روی مفاهیم قدرت و صلح متمرکز بوده اند و تا حدودی هنوز هم هستند. افکار کسانی که رویکرد ناظر بر قدرت را ترجیح می دهند مبتنی بر مکتب رئالیستی<sup>۳</sup> (واقع گرایی) در روابط بین الملل است و نویسندگانی مانند تئی. اچ. کار<sup>۴</sup> و هانس مورگنتا<sup>۵</sup> نمایندگان آن هستند (اونیشچاک و همکاران، ۲۰۲۰).

مفهوم اصلی "امنیت ملی" برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورهاست. پس امنیت ملی یک کشور در درجه اول به معنای تأمین شرایطی است که کشور را از تعرض دیگران به استقلال سیاسی، ارزش های فرهنگی و رفاه اقتصادی

<sup>1</sup> buzan

<sup>2</sup>. Netion - Stata

<sup>3</sup>. Westphalia

<sup>4</sup>. Realism

<sup>5</sup> Tee H. Carr

<sup>6</sup> Hans Morgenth

<sup>7</sup> Onyshchuk

دور نگه دارد. برطرف کردن عوامل ترس و ناامیدی چه داخلی و چه خارجی از اساسی‌ترین هدف‌های یک کشور است (روشندل ۱۳۹۴).

تهدید امنیت ملی شامل هر عاملی است که سلامت، رفاه اقتصادی، ثبات اجتماعی و صلح سیاسی یک ملت را به خطر اندازد. این دیدگاه، فراتر از تفسیر صرفاً نظامی از امنیت ملی است و بر تنوع اشکال ناامنی تأکید دارد. یافتن امنیت نسبی از دو راه امکان پذیر است:

- ۱- کاهش آسیب پذیری و ضعف که از آن به "استراتژی امنیت ملی" تعبیر می شود،
- ۲- کوشش برای از بین بردن یا کاهش تهدیدهای امنیتی که اصطلاحاً "استراتژی امنیت بین‌المللی" خوانده می شود (لطفیان، ۱۳۸۶).

بیشتر تعاریف ارائه شده از امنیت ملی بر ضرورت حفظ بقا و صیانت از ذات در برابر تهدیدات اساسی تأکید دارند. برخی صاحب‌نظران این مفهوم را در چهار محور اصلی خلاصه می‌کنند: حفظ جان مردم، تمامیت ارضی، نظام اقتصادی و سیاسی، و استقلال و حاکمیت ملی. این مؤلفه‌ها به عنوان جوهره امنیت ملی، مورد وفاق گروه‌ها، احزاب و جریان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی درون کشورها هستند. به باور بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، اهمیت امنیت ملی تا آنجاست که اساس شکل‌گیری دولت را مبتنی بر پاسداری از آن می‌دانند، حتی اگر به قیمت محدود ساختن آزادی‌های فردی باشد (رادمهر، ۱۳۸۴).

#### تحول مفهوم امنیت ملی؛ مکتب کپنهاک؛ تلاش برای بازنگری در مفهوم امنیت

در حالی که در گذشته برخی امنیت ملی را در چارچوب حفاظت از دولت متمرکز خلاصه می‌کردن، ولی پس از پایان جنگ سرد دامنه شمول این حفاظت بسیار گسترش یافته است. اما از آن جا که در هیچ مرحله‌ای از تاریخ جهانی، همکاری و مدنیت بر احساس تجاوز به طور کامل غلبه نکرده است از این رو تحولات اخیر جهانی نیز علیرغم ماهیت ظاهریش، برای تغییر جهت آن چه در گذشته از دولت انتظار می رفت کافی به نظر نمی‌رسد و اگر چه تهدیدات نظامی تنها تعارض طلب موجود برای بقای ملی به شمار نمی روند اما نیروی نظامی همچنان نقش محوری را در حفظ امنیت ملی برخی کشورها ایفا می کند. البته این نکته را در توجه کشورها- به ویژه کشورهای جهان سوم- به راهبرد نظامی جهت تضمین امنیت ملی خود باید در نظر داشت که موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آنها تاثیر قاطعی در تعیین این خط مشی داشته است (کیانی، ۱۳۸۹).

برای سال‌ها تحلیل مسائل امنیتی در چارچوب رویکردهای سنتی روابط بین‌الملل، به‌ویژه رئالیسم، محدود می‌شد. اما تحولات پس از جنگ جهانی دوم، از جمله رشد جمعیت، نیاز فزاینده به انرژی، گسترش بیماری‌ها و تغییرات زیست‌محیطی، ناکارآمدی نگرش سنتی نظامی محور به امنیت را آشکار ساخت. فروپاشی اتحاد شوروی نیز، که تا حد زیادی ناشی از بی‌توجهی به مسائل اقتصادی بود، ناکارآمدی رویکرد رئالیستی را بیش از پیش نمایان کرد. در همین راستا، ضرورت بازتعریف مفهوم امنیت و تدوین دستور کاری نو برای تحلیل مسائل امنیتی مطرح شد.

کیسینجر در سال ۱۹۷۵ بر این نکته تأکید کرد که موضوعاتی چون انرژی، منابع، محیط زیست و جمعیت، جایگاهی هم‌سطح با تهدیدات نظامی در دستور کار دیپلماتیک یافته‌اند (آزر و چون، ۱۳۹۵).

باری بوزان، بنیان‌گذار مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی، با انتقاد از برداشت‌های ساده‌انگارانه رئالیستی و آرمان‌گرایانه از امنیت، بر ضرورت رویکردی میانه تأکید دارد؛ رویکردی که هم قدرت و هم صلح را به‌عنوان مؤلفه‌های مکمل در تعریف امنیت دربر گیرد.

بوزان ابعاد امنیت را در پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی گسترش می‌دهد. مکتب کپنهاک را می‌توان واکنشی نسبت به دیدگاه رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها نسبت به امنیت دانست. در حالی که رئالیست‌ها در بحث امنیت محوریت را به قدرت نظامی می‌دادند، لیبرال‌ها با خوش خیالی تأمین امنیت را در دستیابی به صلح می‌دانستند. در واقع چهارچوب تنگ و محدود دامنه امنیت در دیدگاه آنان در مکتب کپنهاک اصلاح گردیده است (بوزان، ۱۳۷۸).

بوزان برخلاف رویکردهای سنتی که امنیت را امری عینی می‌دانستند، آن را یک پدیده بین‌ذهنی می‌داند که مبتنی بر تصمیمات بازیگران است. از این رو، برداشت‌ها و ادراکات امنیتی می‌توانند در میان بازیگران مختلف متفاوت باشند و ارزیابی دیگران نسبت به امنیتی‌سازی یک موضوع، بر تصمیم‌گیری‌ها و واکنش‌های آنان تأثیرگذار خواهد بود.

مفهوم «تنگنای امنیت» در مکتب کپنهاک اشاره دارد به تفاوت برداشت بازیگران مختلف از یک موضوع، به گونه‌ای که یک بازیگر آن را تهدید امنیتی می‌داند، در حالی که بازیگر دیگر آن را امری عادی تلقی می‌کند. مثلاً افزایش قدرت نظامی یک کشور برای دفاع، ممکن است از سوی رقیب یا همسایه تهدیدی علیه امنیت ملی آن‌ها محسوب شود. در ادامه مفاهیم و مسائل اصلی مطرح شده در مکتب کپنهاک بشرح زیر عباتند از:

۱- امنیت به عنوان مفهومی بین‌ذهنی: که واکنش بازیگران نسبت به یک موضوع امنیتی می‌تواند متفاوت باشد؛ یعنی موضوعی ممکن است نزد یک بازیگر تهدید قلمداد شود، در حالی که نزد بازیگر دیگر امری عادی باشد.

۲- دولت به عنوان مرجع امنیت: از آنجایی که بوزان نو واقع‌گرایی می‌باشد محور و مرجع امنیتی را دولت می‌داند.

۳- امنیت موسع در برابر امنیت مضیق: بوزان نگاه تک بعدی و مضیق نظریات سنتی راجع به امنیت را به پنج بعد امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه می‌دهد.

۴- غیر امنیتی کردن موضوعات: یکی از مفاهیم کلیدی مکتب کپنهاک، ضرورت پرهیز از امنیتی‌کردن بیش از حد مسائل و اجتناب از گنجاندن بی‌رویه موضوعات در دستور کار امنیتی است.

۵- امنیت ملی به عنوان مرکز ثقل امنیت: مکتب کپنهاک امنیت را در سطوح فردی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دسته‌بندی می‌کند، اما امنیت ملی را مرکز اصلی مطالعات امنیتی می‌داند.

- ۶- وابستگی متقابل امنیتی: با وجود آناشری در نظام بین الملل، دولت‌ها دریافتند که امنیت ملی آنها به تأمین امنیت سایر کشورها وابسته است و تلاش می‌کنند امنیت سایر بازیگران را به رسمیت بشناسند.
- ۷- معمای امنیت: امنیت موضوعی پیچیده و چندوجهی است و نگاه ساده و تک بعدی در این مکتب جای خود را به نگاه معماگونه به امنیت تغییر می‌دهد. (بوزان و ویورالی، ۱۳۹۵).

### روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر بنا به موضوعیت، به لحاظ هدف، از نوع تحقیقات کاربردی با رویکرد تحلیلی و به لحاظ ماهیت و روش جزء تحقیقات توصیفی از دسته ی توصیفی - تحلیلی می باشد. در تحقیقات کاربردی با استفاده از زمینه و بستر شناختی و معلوماتی که از طریق تحقیقات بنیادی فراهم شده برای رفع نیازمندی های بشر و بهبود و بهینه سازی ابزارها، اشیاء و الگوها در جهت توسعه رفاه و آسایش و ارتقای سطح زندگی انسان مورد استفاده قرار می گیرند؛ این تحقیقات نیز مبادی شناختی خود را از قوانین، نظریه ها و نتایج تحقیقات بنیادی می گیرند.

### فرضیه های تحقیق

مخاطرات محیطی و منابع در استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نقش موثری دارد. به نظر می رسد در استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مخاطرات محیطی اعم از انسانی و طبیعی مورد غفلت واقع شده است.

### تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های تحقیق

#### موقعیت ایران از نظر مخاطرات محیطی

بخش عمده ای از کشور در فلات ایران واقع شده که از خشک ترین مناطق جهان به شمار می رود و میانگین بارش سالانه آن کمتر از ۲۵۰ میلی متر است؛ رقمی که حدود یک سوم میانگین جهانی است. همچنین، ایران در یکی از مناطق زلزله خیز جهان قرار دارد و تاکنون با خسارات و تلفات سنگینی ناشی از زمین لرزه ها مواجه بوده است. از ۴۳ نوع بلایای طبیعی شناخته شده در جهان، ایران با ۳۳ نوع آن روبه روست. افزون بر این، رشد جمعیت، مدیریت ناکارآمد منابع و تخریب محیط زیست، فشار زیادی بر منابع طبیعی وارد کرده است. به عنوان نمونه، طبق گزارش بانک جهانی (۲۰۰۷)، کاهش منابع آب شیرین داخلی در ایران بیش از شش برابر متوسط جهانی است. استفاده بی رویه از منابع آب زیرزمینی نیز موجب افت سطح آب و بروز پدیده هایی چون فرونشست زمین شده که در نقاط



مختلف کشور قابل مشاهده است. این شرایط، همراه با آلودگی منابع آبی ناشی از دفن غیراصولی زباله، بحران‌های زیست‌محیطی را تشدید کرده است.

منابع آبی تجدیدشونده ایران

| نوع منابع آبی                                           | حجم (میلیارد متر مکعب) |
|---------------------------------------------------------|------------------------|
| بارش                                                    | ۴۱۲                    |
| تبخیر و تعرق                                            | ۲۸۲                    |
| منابع آب تجدیدشونده                                     | ۱۳۰                    |
| تغذیه منابع آب‌های زیرزمینی از بارندگی و جریان‌های سطحی | ۳۸                     |
| آب‌های سطحی در دسترس                                    | ۹۲                     |

منبع: روحانی، ۱۳۹۰

یکی از پیامدهای مهم مخاطرات زیست‌محیطی در ایران، تأثیر منفی آن‌ها بر روابط با کشورهای همسایه، به‌ویژه در زمینه منابع آب مشترک مرزی است. اختلاف بر سر رودخانه‌های بین‌المللی، عمدتاً ناشی از برداشت بی‌رویه در بخش بالادست، کاهش کیفیت آب و کاهش جریان ورودی به کشورهای پایین‌دست است. نبود قوانین بین‌المللی مؤثر در تقسیم منابع آب این رودخانه‌ها، زمینه‌ساز تنش و حتی منازعه شده است؛ به‌گونه‌ای که برخی کشورهای بالادست، از آب به‌عنوان اهرمی سیاسی-اقتصادی علیه کشورهای پایین‌دست بهره می‌برند (چمن‌گشت و کیخانی‌راد، ۱۳۹۹). افزون بر این، خشکسالی، سیل و زمین‌لرزه از جمله حوادثی هستند که بیشترین آسیب را به کشور وارد کرده‌اند. به گفته کارشناسان، سالانه حدود یک میلیون هکتار به وسعت بیابان‌های کشور افزوده می‌شود و نرخ فرسایش خاک در ایران شش برابر میانگین جهانی است. همچنین، طوفان‌های گردوغبار که عمدتاً مناطق غربی و جنوب‌غربی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مشکلات متعددی از جمله بیماری‌های تنفسی ایجاد کرده‌اند و چالش‌هایی در ابعاد ملی و امنیتی به همراه داشته‌اند.

آلودگی هوا، به‌ویژه در کلان‌شهرهایی مانند تهران، موجب افزایش چشم‌گیر بیماری‌های قلبی و تنفسی شده و این شهر را در زمره آلوده‌ترین شهرهای جهان قرار داده است. تشدید این بحران‌ها علاوه بر عوامل طبیعی، ناشی از ضعف ساختاری در نظام مدیریت محیط‌زیست کشور نیز هست. نبود قوانین مؤثر در زمینه حقوق محیط‌زیست، عدم برخورد قاطع با متخلفان، تخصیص ناکافی بودجه، اختیارات محدود و توان اجرایی ضعیف سازمان محیط‌زیست، و همچنین همکاری ناکافی سایر نهادهای دولتی و خصوصی، از جمله عوامل مؤثر در تعمیق مخاطرات زیستی به‌شمار می‌روند (ابومعالی، ۱۴۰۱).

کاهش سطح بهداشت عمومی و کمبود مواد غذایی از پیامدهای مهم مخاطرات محیطی در ایران است. کشور ما در زمره مناطق مخاطره‌خیز جهان قرار دارد و در طول تاریخ، بارها با حوادثی خسارت‌بار مواجه بوده است. از جمله آثار این مخاطرات می‌توان به تخریب منازل و زیرساخت‌های شهری، اختلال در سامانه‌های دفع زباله و فاضلاب،



آلودگی منابع آب آشامیدنی و مواد غذایی اشاره کرد. در چنین شرایطی، مدیریت بهداشت و تغذیه، نقش کلیدی در کاهش آسیب‌ها ایفا می‌کند. توجه به تأمین سرپناه، بهداشت آب و غذا، فراهم‌سازی امکانات پزشکی، کنترل شیوع بیماری‌های واگیر و دفع بهداشتی پسماندها، از ضرورت‌های اساسی در مدیریت بحران‌های محیطی به‌شمار می‌آیند.

### فضای سایبری و تهدیدات امنیت ملی ایران

فضای سایبری در قرن بیست و یکم به یکی از مهم‌ترین ابزارهای اجرای جنگ‌های فرهنگی، رسانه‌ای و سایبری و حتی تغییر حکومت‌ها تبدیل شده است؛ به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران، که در معرض تهدیدات نرم قرار دارند. امروزه بخش عمده‌ای از تهدیدات امنیتی، در قالب تهدید نرم و از طریق رسانه‌ها به‌ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی اعمال می‌شود. این شبکه‌ها از یک‌سو ظرفیت ارتقای امنیت اجتماعی را دارند، اما به‌دلیل ضعف در شناخت صحیح از محیط سایبر و نبود سیاست‌گذاری منسجم، به ابزاری برای تهدید امنیت ملی بدل شده‌اند. ویژگی بارز شبکه‌های اجتماعی، حذف مرزهای جغرافیایی و ساختاری در تعاملات اجتماعی است که باعث شکل‌گیری روابط فرامرزی و خارج از چارچوب‌های مرسوم می‌شود (مارلو، ۲۰۱۶).

در کنار تمام امکانات و جنبه‌های مثبتی که شبکه‌های اجتماعی مجازی برای جوامع بشری به ارمغان داشته است، چالش‌ها و تهدیدات فراوان و شدیدی را نیز بر امنیت کشورها و به‌ویژه کشور ایران به همراه آورده است. تهدیدات مهم و قابل تاملی چون ترویج ظاهر و الگوهای فکری استکبار، شایعه‌پراکنی و تشویش اذهان عمومی، اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی، جاسوس اطلاعات، تخریب آرمانها و شخصیت‌های انقلاب اسلامی ایران، فراهخوان‌ها و آشوب‌های خیابانی، دروغ‌پراکنی و سلب اعتماد مردم از حاکمیت، ایجاد شکاف میان مردم ایجاد احساس ناامنی، ترویج فرهنگ تهمت و افترا و حیثیت‌زدایی و ... که هر کدام از این فاکتورها می‌تواند امنیت داخلی یک کشور حتی امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را به خطر و چالش جدی مواجه نماید. لذا بایست اذعان داشت که این شبکه‌های اجتماعی مجازی با چهره جذاب و فریبنده خود می‌توانند خطرناکترین مسائل و مشکلات را در عرصه امنیت ملی ایجاد نمایند (اسپیچ، ۲۰۱۵).

### تهدیدات و مخاطرات داخلی و خارجی امنیت ملی

شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی همواره در حال تغییرند و این تحولات، شکل تهدیدات داخلی را نیز دگرگون می‌سازد. از این‌رو، شناسایی تهدیدات داخلی باید مرحله‌ای و متناسب با تحولات جامعه انجام شود، چرا که این تهدیدات بازتابی از فرآیندهای عمومی و فضای اجتماعی هستند. چنین شرایطی نشان‌دهنده وجود یک

<sup>8</sup> Marlow

<sup>9</sup> Spich

معمای امنیتی در درون ساختار اجتماعی است. عدم توازن در تخصیص منابع، موجب بروز مخاطرات امنیتی پیوسته و انعکاسی می‌شود. برای مواجهه با این وضعیت، لازم است برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی با در نظر گرفتن آثار امنیتی آن صورت گیرد. بی‌توجهی به این مخاطرات در فرآیند نوسازی، منجر به ظهور تهدیدات غافلگیرکننده و گسترش بحران‌های اجتماعی می‌شود و آسیب‌پذیری امنیت داخلی را افزایش می‌دهد. بنابراین، شناسایی و تحلیل چالش‌ها و آسیب‌های داخلی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برای پیشگیری از تبدیل آن‌ها به تهدیدات امنیتی ضروری است. (سوانا، ۲۰۱۹)

نوع تهدید بستگی به نحوه درک آن و شدت پیامدهای احتمالی دارد. عواملی چون هویت تهدید، نزدیکی جغرافیایی، شدت، احتمال وقوع و آثار آن، در ارزیابی میزان جدی بودن تهدید نقش دارند؛ با این حال، بسیاری از این متغیرها قابل اندازه‌گیری دقیق نیستند و در شرایط پیچیده‌ای رخ می‌دهند (مهریان، ۱۳۹۸). در این میان، بحران‌های زیست‌محیطی، به‌ویژه در فضاهای آبی مشترک، از مهم‌ترین مباحث ژئوپلیتیک زیست‌محیطی محسوب می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران با ۶۵۷ کیلومتر مرز آبی در دریای خزر، در معرض تهدیداتی چون بهره‌برداری بی‌رویه و آلودگی‌های فزاینده این پهنه استراتژیک قرار دارد.

میزان تهدیدکنندگی مخاطرات طبیعی برای امنیت ملی تنها به شدت و وسعت فاجعه وابسته نیست، بلکه به میزان اعتماد عمومی و مشروعیت سیاسی دولت نیز بستگی دارد. در کشورهایی که دچار بحران‌های ساختاری و شکاف‌های سیاسی-اجتماعی هستند، بلایای طبیعی می‌توانند به بحران‌های امنیتی گسترده‌تری منجر شوند. از این‌رو، افزایش کارآمدی دولت و ارتقاء اعتماد عمومی، به‌ویژه در مناطق مرزی، محروم و قومی، ضرورتی انکارناپذیر است (پمپک، ۲۰۱۹).

همچنین، کمبود، تخریب و آلودگی منابع زیستی موجب بروز رقابت و کشمکش میان گروه‌های انسانی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی می‌شود. این شرایط، نه تنها زمینه‌ساز تنش‌های فرامرزی، بلکه باعث تشدید درگیری‌های داخلی برای تصاحب منابع کمیاب نیز می‌گردد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸).

ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع، نقش چشم‌گیری در بروز و تشدید تحولات بوم‌شناختی ایفا می‌کنند. داده‌ها نشان می‌دهد که مداخلات انسانی، عامل اصلی فروسایي و تخریب محیط‌زیست در مقیاس‌های محلی و جهانی است (کاویانی، ۱۳۹۴). در این میان، شناخت دقیق ویژگی‌های جغرافیایی هر منطقه می‌تواند راهکاری مؤثر برای کاهش خسارات ناشی از بحران‌های زیست‌محیطی باشد. محوریت یافتن اقتصاد در سیاست‌های جهانی و رقابت کشورها برای دستیابی به برتری اقتصادی، بهره‌برداری فزاینده از منابع به‌ویژه انرژی را در پی داشته و مناطق دارای ذخایر انرژی را به کانون رقابت قدرت‌ها تبدیل کرده است (انصاری، ۱۳۹۳).

---

<sup>1</sup> Suwanaa

در ایران، روند تخریب محیط‌زیست طی دهه‌های اخیر شدت یافته و در بسیاری موارد از میانگین جهانی فراتر رفته است. این روند ناشی از موقعیت جغرافیایی کشور، بی‌توجهی به اصول پایداری در طرح‌های عمرانی، ناآگاهی عمومی و ضعف عملکرد نهادهای دولتی است. تداوم این وضعیت می‌تواند در دو دهه آینده، کشور را با چالش‌های امنیتی زیست‌محیطی جدی، پرهزینه و ماندگار مواجه سازد (جاجرمی و همکاران، ۱۳۹۲).

#### ابعاد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

بر اساس تعریف و مفهوم موسع از امنیت ملی و هدف مرجع آنکه فراتر از امنیت نظامی و صیانت از دولت سرزمینی می‌رود، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارای پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی-اجتماعی و زیست محیطی است. طبعاً میزان تأثیرپذیری و آسیب‌پذیری هر یک از این ابعاد و وجوه امنیت ملی ایران از تهدیدات خارجی و آسیب‌های داخلی متفاوت و متغیر می‌باشد.

#### امنیت نظامی

امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران به معنای فقدان تهدیدات داخلی و خارجی علیه ارزش‌های مادی و معنوی نظام، و نبود احساس ترس از این تهدیدات است. این امنیت زمانی محقق می‌شود که کشور بدون نیاز به فدا کردن ارزش‌های خود، از جنگ اجتناب کند یا در صورت وقوع جنگ، قادر به حفظ این ارزش‌ها باشد. این ارزش‌ها شامل حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، بقاء نظام سیاسی، سلامت شهروندان، رفاه اقتصادی و فرهنگ دینی است. تهدیدات نظامی ممکن است عینی، مانند استقرار نیروهای دشمن، یا ذهنی و روانی، مانند احساس ترس از حمله باشند (ولی‌پور زرومی، ۱۳۹۳).

در این چارچوب، «امنیتی‌کردن» فرآیندی است که طی آن یک رفتار یا موضوع، تهدیدی وجودی تلقی می‌شود که با ابزارهای سیاسی متعارف قابل حل نیست. اما این فرآیند، صرفاً با ادعای یک بازیگر تحقق نمی‌یابد، بلکه مستلزم پذیرش آن در گفتمان امنیتی غالب و از سوی سایر کشورهاست. در مقابل، «غیرامنیتی‌کردن» به تلاش برای قانع‌سازی دیگران مبنی بر نبود تهدید وجودی و امکان حل موضوع از طریق ابزارهای معمول سیاسی اطلاق می‌شود.

#### امنیت سیاسی- فرهنگی

در عرصه بین‌الملل، برخی تحولات، پدیده‌ها و فرایندها می‌توانند با ایجاد تهدیدات وجودی علیه نظام سیاسی، ایدئولوژی مشروعیت‌بخش آن و در نتیجه بی‌ثباتی سیاسی، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به مخاطره اندازند.

در این زمینه، سه عامل کلیدی در سطح منطقه‌ای و جهانی نقش دارند: نظام‌های سیاسی رایج، ایدئولوژی غالب و نظم حاکم بر نظام بین‌الملل. با توجه به اینکه الگوی غالب حکمرانی در جهان، غیردینی و عمدتاً مبتنی بر لیبرال‌دموکراسی با ایدئولوژی سکولار و انسان‌محور است، و نظم سیاسی بین‌المللی نیز با نظم سیاسی اسلامی مطلوب جمهوری اسلامی هم‌خوانی ندارد، این تفاوت‌های بنیادین می‌تواند موجب کاهش ضریب امنیت سیاسی کشور شود (اشرفی، ۱۳۹۳).

#### امنیت فرهنگی - هویتی

یکی از ابعاد مهم امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، امنیت فرهنگی-هویتی یا اجتماعی است که با امنیت سیاسی ارتباط دارد اما از آن متمایز است. امنیت سیاسی به حفظ ساختار دولت و ایدئولوژی مشروعیت‌بخش آن مربوط می‌شود، در حالی که امنیت اجتماعی-هویتی ناظر بر تداوم و بقای جامعه و هویت ملی، مستقل از دولت است. در این چارچوب، دولت تنها زمانی مشروعیت دارد که تأمین‌کننده امنیت جامعه باشد، اما همواره میان امنیت دولت و ملت هم‌سویی وجود ندارد؛ چراکه گاه دولت می‌تواند تهدیدی برای امنیت هویتی باشد یا برعکس، جامعه اقتدار دولت را به چالش بکشد (صفوی و محقق، ۱۳۹۹).

امنیت هویتی در جمهوری اسلامی ایران به معنای توانایی ملت ایران برای حفظ و تداوم هویت مذهبی، فرهنگی و ملی خود در برابر تهدیدات و تحولات گوناگون است. این امنیت شامل استمرار زبان، باورها، سنت‌ها و شیوه زندگی در چارچوبی پویا و تحول‌پذیر است (روشندل، ۱۳۹۴).

تهدیدات فرهنگی-هویتی عمدتاً غیرنظامی‌اند و می‌توانند ماهیتی ارادی و برنامه‌ریزی‌شده (مانند استعمار فرهنگی، قوم‌مداری، غرب‌گرایی و ملی‌گرایی تهاجمی) یا غیرارادی و ساختاری (نظیر پیامدهای جهانی‌شدن و ملی‌گرایی تدافعی) داشته باشند. به‌ویژه، ملی‌گرایی تدافعی می‌تواند از طریق ایجاد معمای امنیت هویتی، تعارضاتی در هویت ملی پدید آورد (اسماعیلی و بالایی، ۱۳۹۸).

#### امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با دو دسته تهدید مواجه است: تهدیدات کارگزارانه و تهدیدات ساختاری. از منظر کارگزارانه، تحریم‌ها و مجازات‌های اقتصادی اعمال‌شده از سوی ایالات متحده از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، نظیر قانون داماتو و ایلسا، و نیز قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت سازمان ملل، نشان‌دهنده تشدید فشارهای اقتصادی علیه ایران هستند. از منظر ساختاری نیز، نظم اقتصادی جهانی مبتنی بر لیبرالیسم و تجارت آزاد، جمهوری اسلامی را با دوگانگی‌ای بنیادین مواجه کرده است؛ زیرا پیوستن به اقتصاد جهانی ممکن است به وابستگی اقتصادی بینجامد و عدم همگرایی با آن نیز منجر به محرومیت از منابع و بازارهای جهانی خواهد شد (ولی‌پور زرومی، ۱۳۹۳).

در نتیجه این فشارهای ساختاری و کارگزارانه، اقتصاد ملی ایران در حوزه‌های حیاتی مانند صادرات انرژی، دسترسی به بازار جهانی، جذب سرمایه خارجی، توسعه صنعتی و تکنولوژیک، با چالش‌های جدی امنیتی روبروست. این شرایط نه تنها دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز نظیر جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه را تهدید می‌کند، بلکه رفاه عمومی و تأمین نیازهای اساسی ملت ایران را نیز با مخاطره مواجه می‌سازد.

#### امنیت زیست محیطی

یکی از چالش‌های زیست محیطی مهم که امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند، ناامنی در حوزه انرژی است. وابستگی شدید اقتصاد ایران به انرژی، به‌ویژه نفت، پدیده‌ای پایدار دست‌کم تا سال ۲۰۳۰ پیش‌بینی می‌شود. افزایش مستمر مصرف انرژی در کشور، به‌ویژه در بخش‌های تولید، انتقال و مصرف، تهدیدی جدی برای آینده اقتصادی و امنیتی ایران به شمار می‌رود.

نفت نقش محوری در اقتصاد ایران دارد و بیش از ۸۰ درصد درآمد ارزی کشور از این منبع تأمین می‌شود؛ بنابراین، امنیت ملی ایران به‌طور مستقیم از نوسانات قیمت جهانی نفت و شرایط بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد. در واقع، اقتصاد تک‌محصولی مبتنی بر نفت نه تنها رشد و توسعه اقتصادی را کند کرده، بلکه با تشدید رقابت و واگرایی با کشورهای منطقه، ناامنی را برای کشور بازتولید می‌کند (روحانی، ۱۳۹۰).

#### پیامدهای عدم وجود امنیت ملی

| انواع امنیت          | توضیحات                                                                                                                                                |
|----------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| امنیت نظامی          | روابط خصمانه بین فرماندهان و زیردستان، نبود نظم، نبود نگاه‌های سیاسی و عقیدتی کافی، وجود تبعیض بین نیروهای مسلح و ...                                  |
| امنیت سیاسی          | عدم ثبات سیاسی، ناامنی سیاسی، سیطره و نظارت نداشتن حکومت مرکزی بر تمام نقاط و مسائل گوناگون کشور، انشقاق و اختلاف سیاسی                                |
| امنیت فرهنگی-اجتماعی | اصول اخلاقی حاکم بر روابط اجتماعی، برتری دادن منافع شخص، گروهی و قومی بر منافع و مصالح ملی و ایدئولوژیک و وجود اختلاف دینی، مذهبی، نژادی و طبقات و ... |
| امنیت اقتصادی        | شکاف فرهنگ اقتصادی جامعه و واقعیت‌های اقتصادی موجود و وجود اقتصاد بیمار و بی ثبات، شکاف فقیر و غنی و ...                                               |
| امنیت زیست محیطی     | از بین رفتن منابع انرژی، کمبود آب، اختلافات قومی، مهاجرت بی رویه، کمبود غذا و بهداشت و ...                                                             |

### استراتژی امنیت ملی در ایران

استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چارچوبی از سیاست‌ها و الگوها برای تأمین امنیت کشور در برابر تهدیدات متنوع است که متناسب با تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تکامل یافته است. درک صحیح از این استراتژی نیازمند تبیین دقیق مفهوم امنیت است؛ مفهومی چندوجهی که از دید بری بوزان (کیانی، ۱۳۸۹)، هم‌زمان مبهم در تعریف و قدرتمند در سیاست‌گذاری است.

در رویکرد گسترده، امنیت ملی ایران به معنای فقدان تهدیدات عینی و ذهنی علیه ارزش‌های مادی و معنوی و در امان بودن کشور از تهدیدات نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تلقی می‌شود (روشندل، ۱۳۹۴). این امنیت علاوه بر رفع تهدید، به میزان آسیب‌پذیری داخلی نیز وابسته است.

تحول در گفتمان امنیت ملی ایران پس از انقلاب اسلامی، ابتدا بر تهدیدات سیاسی و نظامی خارجی متمرکز بود، اما در دهه‌های بعد، با گسترش جنبش‌های اجتماعی، فشار تحریم‌ها و چالش‌های محیط‌زیستی، ابعاد داخلی، اقتصادی و اقلیمی نیز وارد این گفتمان شد (صفوی و محقق، ۱۳۹۹). در این مسیر، لزوم ارتقای رویکرد امنیتی به پدیده‌هایی مانند بلایای طبیعی و بحران‌های زیست‌محیطی، به عنوان بخش مهمی از امنیت ملی کشور مطرح شده است.

پیروزی انقلاب اسلامی موجب تغییر ماهوی در استراتژی امنیت ملی ایران شد. شعار "نه شرقی، نه غربی" و بنیان "اسلام انقلابی شیعی" منجر به تقابل با قدرت‌های جهانی و تنش در روابط منطقه‌ای شد. این استراتژی بر پیوندهای اعتقادی و گاه مصالح عالی نظام استوار شد؛ اما تمرکز بالا بر امنیت سخت‌افزاری باعث کم‌توجهی به رفاه عمومی، توسعه اقتصادی و محیط زیست شده است.

دو دیدگاه غالب نسبت به استراتژی امنیت ملی ایران پس از انقلاب وجود دارد: یکی بر تداوم آرمان‌های انقلابی و تقابل با نظام بین‌الملل تأکید دارد و دیگری خواستار تعدیل رویکردها برای بهره‌مندی از منافع اقتصادی و امنیتی همکاری با جامعه جهانی است. تحقق اهداف استراتژی امنیت ملی، مستلزم ارتقای چهار بعد اصلی قدرت است: اقتصاد، فناوری، توان نظامی و مشروعیت سیاسی. با این حال، ایران همچنان با چالش‌هایی در اقتصاد تک‌محصولی، ضعف در تجهیزات نظامی متعارف، گسست میان نهادهای علم، اقتصاد و سیاست، و تردید در سطح اجماع ملی و اعتماد عمومی مواجه است.

به‌رغم پیشرفت در حوزه موشکی و مقاومت در برابر فشارهای خارجی، کندی در عملیاتی‌سازی راهبردها و نادیده‌گرفتن برخی تهدیدات انسانی نظیر قاچاق، اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی، از موانع مهم در تدوین و اجرای یک استراتژی امنیت ملی کارآمد به شمار می‌رود.

انواع مخاطرات و تأثیر آن بر امنیت انسانی و توسعه اقتصادی

مخاطرات تهدیدکننده جوامع انسانی را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد:

- ≠ مخاطرات چرخه زندگی که متناسب با مراحل مختلف سنی افراد بروز می‌کنند؛
- ≠ مخاطرات طبیعی مانند سوانحی که خارج از کنترل انسان بوده و ناشی از فرآیندهای زیستی و زمین‌شناسی هستند؛

≠ مخاطرات فناورانه مانند پیامدهای نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل یا فناوری‌های نوین همچون محصولات تراریخته که تهدیدهایی برای سلامت انسان، دام و محیط زیست ایجاد می‌کنند؛

مخاطرات اقتصادی و مالی که شامل نوسانات بازارهای مالی و بحران‌های اقتصادی جهانی است و به دلیل وابستگی اقتصاد داخلی به اقتصاد بین‌الملل، اثرات گسترده‌ای بر وضعیت اقتصادی کشورها دارند. ناتوانی نهادهای اقتصادی در انطباق با تحولات جهانی یکی از عوامل تشدیدکننده این مخاطرات است.

از سوی دیگر، مخاطرات سیاستی نیز از جمله تهدیدهای مهم محسوب می‌شوند که عمدتاً ناشی از تصمیمات نادرست مدیران و سیاست‌گذاران هستند. این سیاست‌ها در بسیاری از موارد، تنها منافع گروه‌های خاص را تأمین کرده و منجر به آسیب‌های گسترده اجتماعی و بین‌نسلی می‌شوند. فقدان شفافیت، ابهام در برنامه‌ریزی، و نبود نهادهای کارآمد در فرآیند سیاست‌گذاری‌های کلان به انحراف در مسیر توسعه، سوء تخصیص منابع و نهادینه شدن فساد در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی می‌انجامد؛ فساد که از سلطه روابط شخصی و توزیع رانت ناشی می‌شود.

ایران به عنوان کشوری واقع در مناطق خشک و نیمه‌خشک، با چالش‌های جدی منابع آبی مواجه است. کارشناسان امنیت ملی پیش‌بینی می‌کنند که جنگ‌های آینده بر سر منابع آب شکل خواهد گرفت. وجود مسائل فرامرزی مانند آب‌های مشترک، موجب شکل‌گیری دیپلماسی آب شده است تا از زیاده‌خواهی کشورهای همسایه در سدسازی و جلوگیری از جریان طبیعی رودخانه‌های مرزی و بهره‌برداری کشورهای پایین‌دست جلوگیری شود. خشکسالی در استان‌های شرقی و جنوب شرق کشور، از جمله خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، سمنان، قم، مرکزی، اصفهان، هرمزگان و بوشهر، با میزان بارش کمتر از ۳۰۰ میلی‌متر در سال، وضعیت بحران‌آمیزی را ایجاد کرده است. علاوه بر این، تبخیر شدید در مناطق مرکزی و شرقی کویری، مانع ذخیره‌سازی نزولات جوی در سفره‌های زیرزمینی می‌شود.

مشکلات تولید و توزیع آب در داخل کشور، اهمیت امنیتی این موضوع را برجسته ساخته است. درگیری‌های اخیر بر سر انتقال آب بین حوضه‌ای که حتی به نزاع‌های محلی منجر شده، گواهی بر امنیتی شدن موضوع آب است. از مهم‌ترین تهدیدات حوزه آب می‌توان به کمبود و آلودگی آب، خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها، بهره‌وری ناکافی



از منابع آبی، بحران‌های ناشی از سدسازی و انتقال آب، ضعف فناوری در تأسیسات آبرسانی، کاهش سطح سفره‌های زیرزمینی و استفاده بی‌رویه از چاه‌های غیرمجاز اشاره کرد.

از منظر زیست‌محیطی-انسانی، افزایش جمعیت و مهاجرت اقوام و اقلیت‌ها نیز چالش‌هایی جدی محسوب می‌شود. جمعیت ارتباط مستقیم با توسعه دارد و افزایش نامتناسب و بدون پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی می‌تواند تهدیدی برای وحدت و امنیت ملی باشد. بخش عمده جمعیت جهان در کشورهای در حال توسعه است که به دلیل منابع محدود، مشکلات اقتصادی و فضای ناکافی، تنش‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای و قومی در آن‌ها رخ می‌دهد.

#### پیامدهای مخاطرات محیطی بر استراتژی امنیت ملی چیست؟

موضوعات و عوامل زیست‌محیطی را که امنیت انسان و به خصوص امنیت ملی را با تهدید و چالش مواجه می‌کنند، می‌توان در دو بعد طبیعی و انسانی قرار داد. در واقع منظور از این دو بعد (طبیعی و انسانی)، نقش غالب هر کدام از این ابعاد می‌باشد. مخاطرات محیطی ایجاد شده به واسطه ضعف برنامه ریزی و مدیریت عرصه توسعه منطقه، به بحران‌هایی تبدیل می‌شوند که با توجه به قرارگرفتن کیفیت زندگی در هسته اصلی امنیت پایدار، موجب کاهش کیفیت زندگی و در نتیجه ناپایداری امنیتی منطقه می‌شود.

از تهدیدات زیست‌محیطی طبیعی می‌توان به کمبود و یا چالش در تولید و مصرف انرژی (نفت، گاز، زغال سنگ و مواد هسته‌ای)، گرم شدن زمین (تأثیر گلخانه‌ای)، کمبود آب شیرین، کمبود خاک مرغوب، بیابان‌زایی و جنگل‌زایی، تغییرات و آلودگی آب و هوا و از عوامل تهدیدکننده زیست‌محیطی در ابعاد انسانی می‌توان جدایی طلبی اقوام و اقلیت‌ها، اختلافات مذهبی و افزایش جمعیت و مهاجرت را نام برد.

از جمله تهدیدات و چالش‌های زیست‌محیطی که امنیت ملی ایران با آن مواجه می‌باشد، ناامنی انرژی است که در تولید و انتقال و مصرف آن برای کشور وجود دارد. در حال حاضر اقتصاد ایران به انرژی وابستگی زیاد پیدا کرده است و در آینده، حداقل تا سال ۲۰۳۰ این وابستگی وجود خواهد داشت. سلف انرژی از سلطه مداوم سوخت‌های فسیلی در ترکیب انرژی و ثبات نسبی در سهام نفت و گاز است که در هر دو سناریو (مرجع و سیاست ۴۵۰) کاملاً متفاوت می‌باشد. در حقیقت، یکی از مهمترین تهدیدات فراوری اقتصاد ایران که امنیت ملی را به مخاطره خواهد انداخت، روند فزاینده کنونی مصرف انرژی و ادامه این وضعیت در سالهای آتی است. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که در صورت ادامه روند گذشته و حال، شدت انرژی از ۹/۶ بشکه نفت خام برای هزار دلار GDP به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰ در سال ۱۳۸۶ معادل ۱۰/۹ بشکه نفت خام برای هزار دلار GDP در افق سال ۱۴۰۴ خواهد رسید. امری که نیازمند رسیدگی جدی است، برنامه ریزی برای کاهش این روند اجتناب ناپذیر است. در غیر این صورت ممکن است کشور در آینده با صدمات شدیدی روبه‌رو شود.

چالش زیست محیطی دیگر در بعد طبیعی، خشکسالی و کمبود منابع آب شیرین و قابل شرب برای مردم ایران است که همواره توجهات بین المللی را به خود جلب کرده است و دولتها در تکاپو و برنامه ریزی برای درست مصرف کردن و دستیابی بیشتر به منابع و ذخایر آب زیرزمینی هستند. ایران از جمله کشورهایی است که با تهدیدات منابع آب و خشکسالی مواجه است. کمبود آب شیرین و کاهش آبهای زیرزمینی در ایران با تذکرات مسئولان هماکنون به گوش مردم می رسد.

نکته دیگر این است که عبور سالم نظام سیاسی از شرایط بحران امنیتی ناشی از مخاطرات طبیعی را نباید به معنای فقدان اهمیت امنیتی این مخاطرات یا عملکرد مطلوب و مقبول حکومت دانست. در تاریخ انقلابها و آشوبهای سیاسی - اجتماعی، کمتر کشوری را می شناسیم که در زمان وقوع یک سیل، زلزله یا طوفان بزرگ دستخوش تغییر سیاسی و اجتماعی شدید شده باشد یا مورد هجوم خارجی قرار گیرد. به نظر می رسد پیامدهای مخاطرات طبیعی بر امنیت ملی، عمدتاً بلندمدت، تدریجی و فرسایشی باشند. این مخاطرات دارای آثار روحی و روانی درازمدت و گاهی پایدار هستند. نارضایتیها و ناخرسندیهای ناشی از این گونه بحرانها در حافظه تاریخی افراد ماندگاری بیشتری دارند و به معیاری برای داوریها و تصمیم گیریهای آتی تبدیل می شوند. در جهان آکنده از تصاویر، حتی کم حافظه ترین ملت ها به ندرت دچار فراموشی می شوند. بی اعتمادی ناشی از عملکرد ناکارآمد نهادهای امدادی یا دولت، آثار خود را در شرایط یک بحران یا فاجعه و یا حتی یک منطقه خاص متوقف نخواهد ساخت. بی اعتمادی به شدت یک بیماری مسری و دیرپاست که نخستین نشانه های آن به هیچ وجه عمیق ترین و خانمان سوزترین آنها نیستند.

نارضایتی در شرایط شوک اولیه ناشی از گستردگی بلایای طبیعی تا اندازه ای امری طبیعی است، اما این نارضایتی عمومی هنگامی تبدیل به یک تهدید امنیتی می شود که تبدیل به بحران اعتماد و سرانجام بحران مشروعیت شود. بحران اعتماد به ویژه در شرایط ناکارآمدی توأم با فساد بسیار تشدید می شود. آثار شوم فساد بر سطح اعتماد سیاسی به ویژه در شرایطی افزایش می یابد که این فساد در شرایط بحران خود را نشان دهد. به عنوان مثال فساد در توزیع امکانات و کمک ها بین حادثه دیدگان گناهی نابخشودنی خواهد بود. حتی کوچکترین اشتباهات سازمان های دخیل در امر امداد و کمک رسانی، در شرایط فشار روانی و فشار رسانه ای توأمان، ممکن است به بهایی گزاف برای سطح اعتماد عمومی و سیاسی جامعه تمام شود. میدان داری به اصطلاح سلبریتی ها، در شرایط بحران، چه آنها را چهره های مردمی بدانیم و چه توریست های فاجعه، در درجه نخست گواهی است بر اعتمادی که مخدوش شده و کوشش چندانی هم برای ترمیم آن صورت نگرفته است.

## نتیجه‌گیری

به طور کلی امنیت ملی متأثر از عوامل مختلفی است که خاستگاه آنها سه حوزه جغرافیا، سیاست و قدرت می باشند. اما عوامل تولیدکننده و یا به عکس تهدیدکننده امنیت عمدتاً عبارت اند از: موقعیت و مشخصات ژئوپلیتیکی و جغرافیایی کشور، وضع جمعیتی کشور، قدرت اقتصادی، استقلال یا وابستگی کشور به خارج از مرزها، روحیه نیروهای ارتش، سطح علمی و نبوغ دانشمندان، ویژگیهای رهبران سیاسی، تکنولوژی، سیاست جهانی در خصوص مدیریت و خلع سلاح و ...

لاجرم مسایل امنیت انسانی و تهدیدهای آن پیوسته و به هم مرتبط اند. بنابراین مسایلی مانند مهاجرت، بیماریهای مهلک و آسیبهای محیط زیستی به خودی خود تهدید مستقیمی بر ضد تمامیت سرزمینی یا حفظ رژیم کشورها نیست، اما زمانی که بر توانمندی های اقتصادی، منابع طبیعی و نیروی انسانی تأثیر می گذارند، تهدیدی علیه امنیت ملی کشورها محسوب می شوند؛ برای مثال حادثه نیروگاه هسته ای چرنوبیل و آسیبی که به سلامت شهروندان و تحت الشعاع قرار دادن توانمندی اقتصادی کشورهای همسایه اوکراین وارد ساخت، باعث شد تا تهدیدی علیه امنیت ملی این کشورها تلقی شود. بنابراین امنیت زیست محیطی ناظر بر حفظ و نگهداری محیط محلی، منطقه ای و جهانی از هرگونه آسیب است. این امنیت در دنیای کنونی به عنوان نظام پشتیبانی کننده یکپارچه و همبسته عمل می کند و حیات بشری به گونه ای انکارناپذیر بدان متکی است.

در سالهای اخیر مطالعه مخاطراتی که جوامع انسانی را در معرض تهدید قرار می دهند، به یک وجه اصلی طیف وسیعی از تحلیلهای رشته های علوم انسانی تبدیل شده است فراگیری مخاطرات به همه حوزه های زندگی انسانها در همه جوامع سبب شده که محققین علوم اجتماعی سخن از جامعه مخاطرات برانند. معنای این اصطلاح آن است که جامعه انسانی، نه تنها به طور دائم و گسترده در معرض انواع مختلفی از مخاطرات است که لازم است به طور دائم پایش شود چرا که جامعه، انسانی به ویژه در اشکال امروزی و مدرن آن، خود زاینده گونه های متعددی از مخاطرات است. به این ترتیب بسیاری از محققین سیاستهای اجتماعی، معتقدند مدیریت مخاطرات باید به عنوان یک اصل محوری در شکل دهی به سیاستهای عمومی اعم از سیاستهای اقتصادی، اجتماعی و رفاهی، نقش آفرینی کند.

با گذر زمان روز به روز بر میزان مخاطرات افزوده می شود و انواع جدیدی به مخاطرات قبلی افزوده می شود. کافی است به تصادفات جاده ای، افزایش قاچاق مواد مخدر و قاچاق کالا و ارز، سرقت های مسلحانه، آلودگی آب و هوایی مخصوصاً در کلان شهرها، افسردگی و جای خالی آرامش و بسیاری دیگر از مخاطرات انسانی در کنار مخاطرات قبلی طبیعی توجه کنیم. اغلب در تعریف امنیت ملی و تدوین استراتژی امنیت ملی توسط بسیاری از کشورها توجهی به این نوع از مخاطرات و افزایش میزان و دامنه شدت آنها نمی شود و امنیت ملی اغلب و هنوز براساس رویکرد واغع گرایانه هانس مورگنتا و والتر لیپمن و نه امنیت مکتب کپنهاگی ماندل و بوزان تعریف می

شود؛ امروزه امنیت به معنای دفاع در مقابل دشمن است درحالی که واقعیت آنست که امنیت کل بشر و امنیت سیاره زمین به مثابه خانه ما مورد مخاطره قرار گرفته است. خطر مرگ زمانی بیشتر است که ما از عرض یک جاده عبور کنیم تا اینکه توسط دشمنی همانند داعش مورد تهدید قرار بگیریم. مخاطراتی همچون مخاطرات محیطی، مخاطرات داخلی و خارجی، مخاطرات انسانی، مخاطرات منابع و مخاطرات سایبری و شبکه اجتماعی بیشترین مخاطراتی هستند که می توانند در استراتژی امنیت ملی نقش داشته باشند؛ داده ها و رفتار و مشق و نمایش قدرت توسط دولت های گوناگون جمهوری اسلامی بیان کننده آنست که مخاطرات محیطی اعم از ورد ریزگردها، افزایش آسیب های اجتماعی همانند افزایش تعداد معتادین متهاجر، زباله گردها، ورود اتباع بیگانه به صورت غیرقانونی همانند افغان ها، سرقت های مسلحانه و دزدی هاوزورگیرهای خشن در سطح معابر و خیابان ها و بسیاری دیگر از مخاطرات انسانی و طبیعی اهمیت بسیار به مراتب کمتری نسبت به امنیت نظامی درتدوین استراتژی امنیت ملی دارد و بنابراین فرضیه مورد نظر تاحدی زیادی اثبات می گردد.

#### منابع

- ≠ الف-منابع فارسی:
- ≠ آزر، ادوارد، چون، اینمونگ. (۱۳۹۵). امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: مرکز مطالعات راهبردی: ۲۱۶.
- ≠ ابوالمعالی، سیدمحمدصفالدین، احمدی، حسن، امین نژاد، بابک. (۱۴۰۱). بررسی آثار تغییر اقلیم بر یخچال های طبیعی و تهدیدات امنیت ملی، چاپ در یازدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت، تهران: ۳۲۷-۳۴۷.
- ≠ اسماعیلی، محسن، بالایی، حمید. (۱۳۹۸). الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قوانین برنامه توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، شماره ۵: ۴۳-۷۵.
- ≠ اشرافی، داریوش. (۱۳۹۳). تفسیر جدید از صلح و امنیت بین المللی و تاثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴۲: ۱۰۹-۸۳.
- ≠ انصاری، معصومه. (۱۳۹۳). امنیت زیست محیطی و چالش های محیط زیست دریای خزر، چاپ در دومین همایش سراسری محیط زیست، انرژی و پدافند زیستی، تهران: موسسه آموزش عالی مهر اروند، گروه تدریج: ۲۱-۲۷.
- ≠ بوزان، باری. (۱۳۷۸) مردم، دولت ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی: ۱۶.
- ≠ بوزان، باری، ویورالی، دووولد پاپ. (۱۳۹۵). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی: ۳۲۷.

- ≠ جاجرمی، کاظم، پیشگاهی فرد، زهرا، مهکویی، حجت. (۱۳۹۲). ارزیابی تهدیدات زیست محیطی در امنیت ملی ایران، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۷: ۱۹۷-۱۸۶.
- ≠ چمن گشت، هادی، کیخانی راد، هادی. (۱۳۹۹). تهدیدات بیوتروریسم و تاثیر آن بر ژئوپلیتیک و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ در دومین همایش ملی امنیت اقتدار و پیشرفت، تهران: ۶۲-۳۴.
- ≠ حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی: ۸۹.
- ≠ رادمهر، ایرج. (۱۳۸۴)، سیر تحول در مفهوم امنیت ملی، فصلنامه علوم و فنون نظامی، شماره ۴: ۱۱۲-۱۲۱.
- ≠ ربیعی، علی. (۱۳۸۳). مطالعات امنیت ملی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه: ۱۱۰-۱۳۰.
- ≠ روحانی، حسن. (۱۳۹۰). امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ چهارم: ۲۴۸.
- ≠ روشندل، جلیل. (۱۳۹۴). امنیت ملی و نظام بین المللی، تهران: انتشارات سمت: ۱۸.
- ≠ زندی، محمدرضا. (۱۳۹۹). نقش فضای مجازی در تهدید علیه امنیت ملی، چاپ در چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهشهای کاربردی در علوم انسانی و علوم اسلامی با موضوع تحول در علوم انسانی، قم: ۲۴-۱۲.
- ≠ صفوی، سید یحیی، محقق، محمدعلی. (۱۳۹۹). نقش سلامت در امنیت و توسعه پایدار ملی بخش ۳: تهدیدات زیستی و امنیت ملی، نشریه بهداری رزمی دفاع مقدس و مقاومت، شماره ۵: ۲۰-۱۱.
- ≠ عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۳). نظریه های امنیت، مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر: ۳۵۷.
- ≠ قائمی مجارشین، مرضیه، شمسی آقبلاغ، فاطمه، آقازاده، فهیمه. (۱۳۹۵). مروری بر مفهوم تهدید سایبری و تاثیر آن بر امنیت ملی، چاپ در کنفرانس بین المللی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات، تهران: ۲۲-۱۵.
- ≠ کاویانی راد، مراد. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی مخاطرات محیطی بحران های بوم شناسی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۳: ۴۰-۳۳.
- ≠ کیانی، داود. (۱۳۸۹). منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ≠ گراوند، عباس، گراوند، فرشید، گراوند، محمدرضا، گراوند، محمدجواد. (۱۳۹۴). بررسی میزان تهدید اعتیاد بر امنیت ملی، چاپ در چهارمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران: ۵۵-۴۳.
- ≠ لطفیان، سعیده. (۱۳۹۶). استراتژی و روش های برنامه ریزی استراتژیک، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ≠ لطفیان، سعیده. (۱۳۹۰). پندار از تهدید و سیاست های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ در چهارمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران: ۷۳-۸۸.

- ≠ مهربان، احمد. (۱۳۹۸). رابطه تهدیدها و آسیب ها در حوزه امنیت ملی با نگاه به تحریم (بررسی موردی قطع نامه تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران)، مجله مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۷۶: ۲۷-۳۵.
- ≠ ولی پور زرومی، سید حسن. (۱۳۹۳). گفتمان های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم.
- ≠ ب - منابع انگلیسی
- ≠ Buzan, B. & Weaver, O. 1998. "Libra and Security "Copenhagen peace Research tttt tt RRRRRR Wkkkggg pae... R acqaa "I hle Na o aaa Bnn Lade"" DDeevvvvwyyyyr e.....
- ≠ Dobák, I. 2021. Thoughts on the evolution of national security in cyberspace. *Security and Defence Quarterly*, 33: 75-85.
- ≠ Friedman, B. H. .2015. Managing fear: The politics of homeland security. *Political Science Quarterly*, 126: 77-106.
- ≠ Keeney, R. L., & Von Winterfeldt, D. 2011. A value model for evaluating homeland security decisions. *Risk Analysis: An International Journal*, 31: 1470-1487.
- ≠ Mara, D., Nate, S., Stavitsky, A., & Kharlamova, G. 2022. The place of energy security in the national security framework: an assessment approach. *Energies*, 15: 658.
- ≠ Marlow, C. .2016. Investment and Attention in the Weblog Community. Available at: [alumni.media.mit.edu](http://alumni.media.mit.edu): 261-280.
- ≠ Nevitt, M. P. .2020. On environmental law, climate change, & national security law. *Harv. Envtl. L. Rev.*, 44: 321-336.
- ≠ Onyshchuk, S. V., Onyshchuk, I. I., Petroye, O., & Chernysh, R. .2020. Financial stability and its impact on national security state: Organizational and legal aspects. *International Journal of Economics and Business Administration*, 8: 353-365.
- ≠ Pempek, T. .2019. College students social networking experiences on Facebook. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 30: 227-238.
- ≠ Premaratne, U. .2016. Reconciling the Irreconcilable: The Use of Reasonable Consequentialism for the Conundrum of National Security and Fundamental Rights. Retrieved 11 November 2016.
- ≠ Spich, R., & Grosse, R. .2015. How does homeland security affect US firms' international competitiveness?. *Journal of International Management*, 11: 457-478.
- ≠ Suwanaa, F.L. .2019. Empowering Indonesian women through building digital media literacy. *Kasetsart Journal of Social Sciences*, 38:327-338.